تشخیص، درمان و گزارش‌های همه‌گیری‌های طاعون در دوران تمدن اسلامی

امیر محمد جلادت[الف]، احسان مصطفوی[ب*]

[الف] استادیار، گروه طب ایرانی، مرکز تحقیقات طب سنتی و تاریخ پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

[ب] دانشیار، رییس بخش اپیدمیولوژی و آمار زیستی و آزمایشگاه مرجع کشوری طاعون، تولارمی و تب کیو، مرکز تحقیقات بیماری‌های نوپدید و بازپدید، انستیتو پاستور ایران، تهران، ایران

چکیده

سابقه و هدف: طاعون یکی از بیماری‌های مهلک بوده است که همه گیری‌های آن، اجتماعات بزرگ انسانی را از میان می برده است و در خاطره جمعی مردم همواره به عنوان یکی از سیاه ترین و وحشتناک ترین بیماری ها شناخته شده است. این تحقیق بمنظور بررسی روش‌های تشخیص و درمان طاعون در دوران تمدن اسلامی انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: در مقاله حاضر با مروری بر مهمترین متون عربی و فارسی تمدن اسلامی نگاهی به روش شناسی پزشکان این دوره درباره شناخت و مداوای بیماری طاعون داشته ایم. در کنار گزارش هایی درباره این بیماری براساس آراءپزشکان و مورخان این تمدن، به پاره ای از همه گیری‌های طاعون در تمدن اسلامی نیز اشاره شده است.

نتیجه گیری: طاعون یکی از مشکلات زندگی اجتماعی شهرنشینی در این تمدن بوده است. گزارش‌های بیماری شناسی پزشکان این دوره نشان می دهد از دید آنان بیماری طاعون نوعی بیماری قابل انتقال بوده است که آب و هوا در فراهم شدن شرایط گسترش آن نقش داشته است.

کلیدواژه‌ها: کشندگی سلولی، زهر زنبور عسل، HT-29.

تاریخ دریافت: خرداد ۹۵

تاریخ پذیرش: فروردین ۹۶

مقدمه:

در نظام فکری دانش پزشکی دوره اسلامی، در یک تقسیم بندی کلی بیماری ها به دو دسته، بیماری هایی که به یک عضو خاص اختصاص دارند و تنها یک عضو بدن را درگیر می کنند و بیماری هایی که سراسر بدن را دچار می سازند تقسیم می شوند. برای مداوای هر یک از این بیماری ها روش ها و نسخه‌های گوناگونی وجود داشته و می توان گفت کمتر بیماری ای وجود داشته که پزشکان دوره اسلامی (علی رغم پیچیدگی بیماری) راه یا راه هایی برای درمان آن طرح نکرده باشند. یکی از مهمترین بیماری‌های متعلق به تمامی بدن آدمی، بیماری مهلک طاعون بوده است. بررسی متون پزشکی دوره اسلامی نشان می دهد پزشکان دوره اسلامی توانسته اند گزارشی درباره شناخت بیماری و علت شناسی آن ارائه دهند. همچنین، با توجه به این موضوع که در نظام فکری پزشکی دوره اسلامی درمان بوسیله داروها (بخصوص داروهایی با منشا گیاهی) اهمیت خاصی داشته، می توان به ردپاهایی برای تجویز برخی داروهای عموما گیاهی درباره درمان این بیماری رسید. بروز طاعون به عنوان یک بیماری مهم و وحشتناک باعث بروز ادبیات خاص خود در متون مختلف دینی نیز شده است. از جمله، عسقلانی شافعی، در شرحی که با نام فتح‌الباری بر کتاب فقهی صحیح بخاری نوشته است، دو فصل را پشت سر هم، یکی دربارهٔ ماهیت و شناخت بروز طاعون و دیگری دربارهٔ اجر صابران هنگام بروز طاعون آورده است(۱). همچنین، قابل ذکر است که دمشقی(۲) نیز فصلی را در کتاب الطب‌النبی خود درباره شناسایی طاعون آورده است.

یک نکته مهم در توصیف بیماری طاعون در پزشکی دوره اسلامی، استفاده از نام عربی برای توصیف این بیماری (برگرفته از ریشه عربی"طعن") است(۳). این نکته نشان می

* فرد مسئول مکاتبات: mostafavi@pasteur.ac.ir

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12]

دهد بر خلاف مجموعه ای از بیماری ها که به دلیل پیچیدگی شناخت بیماری پزشکان دوره اسلامی ترجیح داده اند از نامهای با ریشه یونانی برای نامیدن بیماری استفاده کنند، برای این بیماری در کنار چند بیماری مهلک دیگر (ازجمله وبا) از نام محلی سود ببرند.

در دوران علوم نوین ایران، دانش پزشکی جدیدی برگرفته از دانش نوین و اروپا محور پدید می آید که ساختار و اجزاء آن با دانش پزشکی دوره اسلامی تفاوت هایی دارد و در مقاله حاضر، بیماری طاعون از منظر پزشکان دوره اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.

مواد و روش‌ها:

تحقیق به روش مطالعه کتابخانه ای انجام گرفت. مجموعه ای از متون که یا جزء قدیمی ترین و یا جزء مهمترین این متون به حساب آیند. بر این اساس، در مقاله حاضر کوشش شده است مهمترین متون عربی (از جمله، قانون در طب، نوشته ابن سینا)(۳, ٤) و فارسی (از جمله، مجموعه آثار سید اسماعیل جرجانی شامل ذخیره خوارزمشاهی(۵)، الاغراض الطبیه(٦) و یادگار(۷)) و همچنین کهن ترین آنها به عربی (از جمله کامل الصناعه الطبیه نوشته علی بن عباس مجوسی)(۸) و فارسی (از جمله هدایه المتعلمین نوشته اخوینی بخاری)(۹) مورد بررسی قرار گیرد. گفتنی است مهمترین داده‌های پزشکان دوره اسلامی درباره بسیاری از بیماری ها از لابلای همین مجموعه کتاب استخراج گردید اما برای تجمیع داده‌های مربوط به بیماری ها، از جمله از نظر تاریخی، دانش پزشکی دوره اسلامی همچون دیگر دانشها دوره تطور خود را از قرن دوم و با شروع نهضت ترجمه آثار گوناگون علوم از زبانهای مختلف به عربی شروع و تا یک هزارسال، تا قرن دوازدهم ادامه می دهد. دراین قرن، با ورود علوم نوین به شرق و از آن جمله به ایران مفهوم جدیدی از دانش دراین سرزمین ها پدید می آید که عموما به علوم نوین تعبیر می شود.

برای این منظور ٤۵ کتاب منابع پزشکی دوره اسلامی و منابع تاریخی تمدن اسلامی مورد مطالعه و استفاده قرار گرفت که در تدوین این مقاله از همه آن ها استفاده شده است.

یافته‌ها و بحث:

در این مقاله ابتدا به واژه شناسی و توصیف بیماری طاعون از نظر پزشکان دوره اسلامی پرداخته شده است، سپس بیماری شناسی، علائم و علت این بیماری و راههای مختلف درمان طاعون از نگاه این پزشکان مرور شده است و در انتها به بررسی همه گیری‌های طاعون براساس منابع پزشکی دوره اسلامی و منابع تاریخی تمدن اسلامی پرداخته شده است.

الف- واژه شناسی و توصیف طاعون از نظر پزشکان دوره اسلامی

طاعون از لحاظ واژه شناسی به معنای مرگ عام یا وبا است. این کلمه از طعن عربی به معنای "نیزه زدن" گرفته شده است و به معنای "محل زخم نیزه" است(۳). معادل انگلیسی این واژه plague است که احتمالاً برگرفته از کلمه لاتین plāga به معنی "ضربه، زخم و طوفان" است(۱۰).

مقصود از طاعون در منابع پزشکی دوره اسلامی اعم از تعریف امروزی آن به عنوان یک بیماری باکتریایی مشترک بین انسان و جوندگان است. در اصطلاح پزشکی دوره اسلامی طاعون مرضی است کشنده با بثورات باقلهای شکل، به اندازه گیاه کنار صحرایی، سرخ یا سیاه رنگ، بسیار سوزناک(۱۱)، همراه با تب و همه گیری(۱۲).

ابن سینا در کتاب "قانون در طب" در بخش اورام در فصلی با عنوان "فی الطواعین" لفظ طاعون را معادل اصطلاحات متعدد یونانی شامل طرفیترس، قوماطا، یوماطا، بوماخلا و یوبوس میداند که در واقع همگی اشاره به ورم نواحی نرم غددی از قبیل پستان، خایه، زیر زبان، زیر بغل و کشاله ران دارند(٤, ۵).

بیماری شناسی و علائم طاعون در منابع پزشکی دوره اسلامی

طاعون یک بیماری ورمی است. در طبقه بندی ورمها آنهایی که به سرخی و گرمی میزنند فلغمونی نامیده میشوند و از این بین آنهایی که ترشح چرکی پیدا میکنند را طاعون یا به یونانی فوجلبن(۸) یا بوجثلن گویند(۱۳).

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12]

پزشکان دوره اسلامی ورم در اعضای سست غددی را طاعون میخوانده اند؛ اما به تدریج واژه طاعون یا بوبن(۱۳) مختص آن دسته از ورمهای گرم سوزناک شده است که اکثراً در مفرغه‌های بدن یعنی زیربغل، پس گوش و کش ران ایجاد و سبب فساد، تغییر رنگ موضع و انتشار سمیت به قلب، طپش، غشی و مرگ میشود (۵, ١٤)؛ البته گاهی هم به صورت کلی هر ورم مهلک یا بسیار حاد را طاعون می خوانده اند(۱۵).

اخوینی در توصیف ورم طاعون آنرا آنچنان دردناک میشمرد که میتواند سبب بیهوشی شود، اطراف آن سیاه و کبود و دیگر علائم همراه شامل قی، اسهال، طپش قلب، غشی و مرگ است(۹). ابن سینا نیز مشخصه اصلی طاعون را بروز ورم باقلهای شکل مهلک به صورت همهگیر در محیطهای آلوده میداند(٤, ١٦). بنا به نظر پزشکان دوره اسلامی طاعون میتواند باعث ورم در سیستم عصبی یا دماغی و در نتیجه خونریزی زیاد و سیاه از بینی شود (۵, ٦).

علت بیماری طاعون

اسباب بیماریها در پزشکی دوره اسلامی شامل اسباب بدنی و غیر بدنی است. بر این اساس موقعیت ستارگان و سیارات نیز در تغییر شرایط جوی و بروز بیماریهای همه گیر از جمله طاعون دخیل بوده است. احتمال فساد هوا و بروز وبا و طاعون در زمان قمر در عقرب(۱۷)، در سرزمینهای گرم و دامنه کوهها بیشتر است و وبا یا همه گیری هایی از این دست در فصل بهار شایعتر و بروز آن خبیث تر است(۱۸). غلظت و رطوبت هوا امکان سرایت عفونت افراد طاعون زده را به دیگر افراد زیادتر می کند؛ اما استعداد بدنی در این ابتلا نقش مهمی دارد. استعداد ابتلا به بیماریهای همه گیر در گرمی مزاج و سنین کودکی و جوانی بیشتر است(۱۸).

انکار نمی‌کنیم این را اصلا
گفتی تو که طاعون بُوَد از شرّ وبا
طاعون نشود در بدن او پیدا
تعدیل مزاج شخص چون ما بکنیم
(۱۹)

معده پر و کثرت طعام خورده شده شرایط پذیرش طاعون زدگی را مهیا میسازد و از این روست که گفته می شود که مرگ به دنبال طاعون در افرادی که از امتلا و پرخوری دورند کمتر است.

ای آنکه تو را میل به علم و حِکَم است
زیرا که چو علم خیر در دَهر کم است
می‌دان که وبا بُوَد سبب طاعون را
لیکن اثر وبا بلای شکم است
(۱۹)

وهم، خوف و ترس از دیگر اسباب سرایت امراض مسری مانند طاعون است. بیان شده است که افراد ترسو در ایام وبا زودتر از طاعون هلاک میشوند؛ چرا که وهم بسیار بر بدن تأثیر گذار است(۱۹).

بنا به رای پزشکان دوره اسلامی طاعون از تعفن مواد در بدن و دفع این عفونت توسط سیستم دفاعی بدن یا طبیعت مدبره نفس ناطقه آدمی به دور از اعضای حیاتی بدن یعنی زیر بغل، کشاله ران و پشت گوش ایجاد می شده است. از تعفن خلط گرم یا سرد ماده سمی گرم ایجاد میشود و طاعون، ورمی است که از تعفن اخلاط امتزاج یافته دم و صفرا در بخش غددی بدن حادث میشود(۲۰).

د- درمان طاعون از نگاه پزشکان دوره اسلامی

در پزشکی دوره اسلامی طاعون آماسی گرم و سمی ناشی از خون سودایی(۹) یا مادهای سمی(۲۱) است که امید به علاج آن بسته به نزدیکی ورم به قلب و تیرگی رنگ آن دارد و عموم حکما بروز ورم سیاه رنگ طاعون در پستان، پس گوش یا زیر بغل را مهلک می شمرده اند (٤, ۹) به خصوص زیر بغل چپ که به قلب نزدیکتر است(۸).

طبق اصول درمانی پزشکی دوره اسلامی در صورتی که قوت فرد و وقت مساعد باشد درمان ابتدا با پاکسازی بدن و خونگیری فرد صورت میگیرد. قلب با داروهای سردی بخش و خوشبو مانند ترنج، لیمو، رب سیب، رب به و انار ترش تقویت و توصیه میشود که افراد مواد معطری مانند نارنج، گل

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12]

محمدی، کافور و صندل را ببویند(٤) و شربت حماض، شربت صندل و قرص کافور برای تقویت قلب لازم است(٧).

به طور معمول در مراحل اولیه بروز ورم داروهای قابض و سردی بخشی مانند اسفنج آغشته به سرکه و آب یا روغن گل سرخ یا روغن سیب یا مصطکی یا روغن مورد بر روی ورم گذاشته میشده اند؛ اما در ورم مهلک طاعون تأکید می شود که هیچ داروی موضعی خنکی استفاده نشود(٧) و در صورتیکه به دنبال تماس مواد خنک طپش قلب ایجاد شود آب گرم بر ورم ریزند تا سمیت ورم به قلب برگشت داده نشود(٩).

باید ورم را تخلیه و سم را خارج کرد و بدین منظور می توان ورم را تیغ زده و با بادکش به آرامی آنرا مکید. اگر احتمال بروز خراج یا آبسه هم باشد باید تلاش کرد که با پاشیدن آب بابونه یا شبت آنرا به چرک آورد(٤).

در ایام وبا تحریک اخلاط بدنی مناسب نیست اما پاکسازی بدن با فصد در صورتی که فرد به انجام آن عادت داشته باشد و یا عوض آن حجامت ساقین و یا روزه داشتن و بر شکم خالی خوابیدن جهت رفع امتلای بدنی و کاهش احتمال ابتلا به طاعون مفید است و از آنجا که یکی از اسباب سرایت طاعون وهم است، تقویت دل و دفع خوف با مصرف اندکی شراب میتواند مفید باشد(٤).

یاقوت از جمله داروهای مفرح است که بعضی اطبا آنرا "سبجسبوخ" یعنی دافع طاعون میخوانند؛ چراکه به نظر جرجانی معادل فارسی طاعون سبج است(٧)؛ حتی حکمای هند حمل یاقوت را به وسیله افراد باعث ایمنی از طاعون بیان کرده‌اند(٢٢).

برخی داروها به واسطه قوه پادزهری خود در طاعون توصیه شدهاند که از آن جمله اند "جدوار" و "درونج". گفته شده است که اگر درونج در خانهای آویخته شود طاعون به اهل آن خانه نمیرسد(٢٣). بهاء الدوله رازی حکایتی را بیان میکند که اهالی یک محل در هرات در همه گیری چهار ماهه طاعون با سد کردن درهای محل و مصرف روزانه دو سه دانگ جدوار و خوردن غذاهای ترش تریاقی و نان خشک و مداومت به بوییدن سرکه و پیاز از طاعون در امان ماندند(٢٤).

"طین" یا "گل ارمنی" دیگر داروی معدنی است که محمد بن زکریا رازی و دیگر پزشکان دوره اسلامی آنرا در علاج طاعون بهترین داروها دانسته اند و خوردنش را با آب خنک یا گلاب در تب طاعونی مفید قید کرده اند(١٤, ١٥, ٢٥)؛ البته مالیدن آن به حوالی ورم طاعون نیز مفید بیان شده است اما کمتر. گل ارمنی و گل مختوم مانع حدوث طاعون هستند و نافع در دفع آن و آمده است در سالی که در ارمنستان طاعون همه گیر شده بوده تنها جمعی معدود به واسطه آنکه هر روز گل ارمنی میخوردند زنده ماندند(١٩).

ریباس دیگر دارویی است که خوردن بخش ترشی آن در کتب متعددی از جمله قانون در طب و الاغراض الطبیه باز دارنده مضرت طاعون و تبهای وبایی ذکر شده است(٦).

در توصیه‌های درمانی پزشکان دوره اسلامی پاشیدن سرکه و حلتیت و مواد خوشبو شامل صندل، گلاب و کافور به دیوارها، زمین و پرده‌های خانه جهت حفظ قلب از آسیب طاعون لازم شمرده شده است(٩). برای مقابله با طاعون همانند دیگر همه گیریها یا بیماریهای وبایی افزودن سرکه به غذا مثلاً عدسی با سرکه و یا گوشت بزغاله یا تیهو پرورده در سرکه (المصوص الحامض) و مصرف انار و آلوبخارا (٢٥) تجویز شده است. توصیه شده است که پیرامون بستر بیمار پر از یخ، برگ بید، بنفشه، گل محمدی و یا نیلوفر شود تا احتمال انتقال بیماری کاهش یابد(١٩).

٥- همه‌گیری‌های طاعون براساس منابع پزشکی دوره اسلامی

آنچنان که مشخص است پزشکان دوره اسلامی طاعون را یک بیماری واگیر از تغییر هوا می دانسته اند(٢٦) و ترک سرزمینی که دچار طاعون شده است در منابع روایی و طبی سفارش شده است (٢٧, ٢٨).

جرجانی معتقد به اندمیک بودن بیماری طاعون در برخی شهرها است و بیان میدارد که "طاعون اندر هواهای بد و سالهای وبائی و اندر شهرها که آنجا بیشتر بود بسیار افتد"(٥).

گزارشاتی مبنی بر بروز طاعون همزمان با دوره زندگی برخی پزشکان دوره اسلامی از جمله در قرن پنجم(٢٩) تا

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12]

میرزا احمد تنکابنی در قرن یازدهم هجری و در سرزمینهای مختلف از حبشه تا روم(۳۰, ۳۱) وجود دارد.

همه گیری‌های طاعون براساس منابع تاریخی تمدن اسلامی

گزارش‌های متعددی دربارهٔ بروز طاعون در کشورهای مختلف اسلامی و طی قرون گذشته جهان اسلام وجود دارد که بیش از هر چیز این گزارش‌ها از لابلای کتاب‌های تاریخ به دست می‌آیند. از دلایل گزارش طاعون در این گونه از آثار، فوت اشخاص مهم و مشهور وقت به دلیل این بیماری (به عنوان نمونه فوت سهیل بن عمر بن عبدالشمس مشهور به ابایزید(۳۲)، و یحیی بن بکیر(۳۳) در طاعون سال ۱۸ شام) و یا بزرگ بودن این بیماری در مقیاس تلفات آن بوده است. در میان همه این اطلاعات، احتمالاً کهن‌ترین همه گیری طاعونی که در کتب مختلف تاریخ بدان برمی‌خوریم، طاعونی است که در سال ۱۸ هجری در شام رخ داده است(۳۲). به نظر می‌رسد این طاعون در دیگر سرزمین‌های اسلامی هم اتفاق افتاده است و دامنه انتشار آن وسیع بوده است، چرا که شافعی از طاعونی یاد می‌کند که طی سال‌های ۱۸ تا ۲۰ قمری در دمشق قربانی گرفته است.

دیگر اپیدمی مهم طاعون، مربوط به سال ۵۳ قمری و در کوفه بوده است(۳٤). اطلاعاتی که درباره چند طاعون در حوالی این دوران‌ها می‌شناسیم نشان از باقی ماندن بیماری، یا سرایت دوباره و سریع آن در چند برهه زمانی دارند. از جمله، ابن‌کثیر(۳۵) از طاعونی به سال ٦٨ قمری خبر می‌دهد که در شام و بصره و واسط رخ داده است، این در حالی است که ربعی(۳٦) نیز از طاعونی در بصره در سال ۷۰ قمری صحبت کرده است. دیگر اطلاعات ما از این گونه طاعون‌ها مربوط به رواج بیماری طی سال‌های ۷۹ تا ۱۸۰ قمری است که در شام رخ داده و به وسیله ابن‌اثیر(۳۷) و ابن‌خیاط(۳۸) گزارش شده است. طی سال‌های ۱۱۵ تا ۱۱٦ نیز اپیدمی طاعونی در شام گزارش شده است(۳۵). به نظر می‌رسد شام منطقه‌ای طاعون‌خیز بوده است. چرا که کمی قبل از این زمان یعنی در سال ۱۰۷ نیز طاعون در این منطقه حضور داشته است(۳۵). طاعون سال ۱۰۷ در یمن نیز گزارش شده است(۳۹). همچنین گفتنی است گزارش‌هایی از اپیدمی طاعون حد فاصل سال‌های ۱۳۰ تا ۱۳۲ در بصره وجود دارد(۳٤, ۳۹).

طاعون در بصره در سال ۲۲۰ نیز گزارش شده است(۳٤). از جمله طاعون‌های ایران، می‌توان به طاعون سال ۲۹۹ اشاره نمود که به وسیله ابن‌کثیر(۳۵) گزارش شده است.

به قرائنی می‌توان گفت در سال ٤۹۳ طاعونی در بغداد رخ داده است. این اطلاع به وسیله عکری حنبلی(٤۰) داده شده است.

گزارش‌هایی که از قرون میانه تمدن اسلامی وجود دارند همچنان به بروز طاعون در این دوره اشاره دارند، این گزارش‌ها اگرچه پیوستگی منطقه‌ای را در طی چند سال نشان نمی‌دهد اما در مقابل ابتلا به طاعون را در گسترهٔ سرزمین وسیعی نشان می‌دهد. از جمله، طاعونی که در سال ۷٤۹ رخ داد، هم در دمشق(٤۱). و هم در طرابلس (لبنان امروز) گزارش شده است(٤۱). در بغداد در سال ۷۵۰(٤۰)، قاهره در سال ۷٦٤(٤۲) و در سراسر مصر در سال ۸۱۸ بروز طاعون گزارش شده است(٤۰).

در میان شهرهای ایران، گزارش‌های مربوط به هرات بیش از همه به چشم می‌خورد. از جمله از بروز طاعون در این شهر طی سال‌های ۸۳۸(٤۳)، ۸٦۵ و سال ۸۸۸ خبر داریم(٤٤) (برای گزارشی کلی درباره طاعون‌های ایران در قرون دهم و یازدهم هجری نیز نگاه کنید به(٤۵)).

بحث و نتیجه‌گیری:

و دریک جمع بندی باید گفت که پرداختن به تاریخچه بیماری طاعون در آثار مربوط به تاریخ پزشکی دوره اسلامی به همراه بررسی آثار منعکس شده از این بیماری مهلک در آثار مورخان و تاریخ نویسان دوره اسلامی نشان می دهد این بیماری یکی از مشکلات زندگی اجتماعی شهرنشینی تمدن اسلامی بوده است چراکه از گزارشات طاعون در سرزمین‌های اسلامی (شامل موارد ذکر شده در بالا) همگی نشان از وقوع بیماری در "شهرها" دارند.

گزارش‌های متعددی دربارهٔ بروز طاعون در کشورهای مختلف اسلامی و طی قرون گذشته جهان اسلام وجود دارد که

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12]

بیش از هر چیز این گزارش‌ها از لابلای کتاب‌های تاریخ به دست می‌آیند. از دلایل گزارش طاعون در این گونه از آثار، فوت اشخاص مهم و مشهور وقت به دلیل این بیماری و یا بزرگ بودن این بیماری در مقیاس تلفات آن بوده است. در میان همه این اطلاعات، احتمالاً کهن‌ترین همه گیری طاعونی که در کتب مختلف تاریخ بدان برمی‌خوریم، طاعونی است که در سال ۱۸ هجری در شام رخ داده است. به نظر می‌رسد این طاعون در دیگر سرزمین‌های اسلامی هم اتفاق افتاده است و دامنه انتشار آن وسیع بوده است.

پزشکان دوره اسلامی به بیماری طاعون به عنوان بیماری مهلک و کاملا قابل سرایت نگاه می کرده اند. نگاهی که می توان آن را با نگاه پزشکان اروپایی دوره پیش از رنسانس مقایسه نمود. پرداختن به رفع این بیماری و کوشش برای درمان آن توسط پزشکان دوره اسلامی نشان می دهد این پزشکان بیش از هر چیز دغدغه رفع و مداوای بیماری را داشته اند.

گزارش‌های بیماری شناسی این پزشکان نشان می دهد از دید آنان بیماری طاعون نوعی بیماری قابل انتقال بوده است که بیش از همه آب و هوا درگسترش آن نقش داشته است. این شناخت از ماهیت بیماری، بخصوص از آنجهت قابل توجه است که نشان می دهد پزشکان دوره اسلامی به بیماری طاعون به عنوان بیماری مهلک و کاملا قابل سرایت نگاه می کرده اند. نگاهی که می توان آن را با نگاه پزشکان اروپایی دوره پیش از رنسانس مقایسه نمود.

تشکر و قدردانی:

از آقای دکتر فرید قاسملو عضو محترم هیات علمی بنیاد دائره‌المعارف اسلامی که در مراحل مختلف این کار ما را یاری نمودند تشکر می شود. این تحقیق در راستای طرح مصوب انستیتو پاستور ایران (طرح شماره ۸۱۰) انجام شده است.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12]

References:

۱ . احمدبن علی، عسقلانی شافعی، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، چاپ محب‌الدین خطیب، بیروت.

۲ . محمدبن ابی‌ایوب دمشقی، الطب النبوی، چاپ عبدالغنی عبدالخالق، بیروت.۱۹۹۱.

۳ . حسین بن عبدالله ابن سینا، قانون در طب. ترجمه عبدالرحمن شرفکندی. تهران، ۱۳٦٦ش.

٤ . حسین بن عبدالله ابن سینا، القانون فی الطب.چاپ ادوارالقش. لبنان؛ بیروت، ۱۹۸۷.

٥ . اسماعیل بن حسن جرجانی، ذخیره خوارزمشاهي. چاپ عکسی از روی نسخه ای خطی، چاپ سعیدی سیرجانی، تهران: ۱۳٥٥ش.

٦ . اسماعیل بن حسن جرجانی، الأغراض الطبیة و المباحث العلائیة.چاپ حسن تاج بخش، تهران،۱۳۸۸ش.

۷ . اسماعیل بن حسن جرجانی، یادگار. چاپ مهدی محقق،تهران، ۱۳۸۱ش.

۸ . علی بن عباس مجوسی، کامل الصناعة الطبیة، چاپ قم، ۱۳۸۷ش.

۹ . ربیع بن احمد اخویني، هداية المتعلمين في الطب. چاپ جلال متيني. مشهد، ۱۳۷۱ش.

10. Ranga S, Gulati I, Pandey J, Khurana S, Talib V. Plague--a review. Indian Journal of Pathology and Microbiology. 1995;38(2):213.

۱۱ . محمدبن یوسف هروی، بحرالجواهر. چاپ مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل. قم،۱۳۸٦ش.

۱۲ . میرمحمد اکبر بن محمد شاه ارزانی، حدود الامراض، چاپ موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران ۱۳۸۹ش.

۱۳ . اسعد بن الیاس ابن مطران، بستان الأطباء و روضة الألباء. چاپ مهدی محقق، تهران، ۱۳۸٦ش.

۱٤ . عبدالله بن محمد ازدی، کتاب الماء. چاپ دانشگاه علوم پزشکی ایران، مؤسسه مطالعاتی تاریخ پزشکی طب اسلامی و مکمل، تهران،۱۳۸۷ش.

۱٥ . موفق بن علی هروی، الأبنیة عن حقائق الأدویة (روضة الأنس و منفعة النفس). چاپ احمد بهمنیار. تهران، ۱۳٤٦ش.

۱٦ . حسین بن عبدالله ابن سینا، دفع المضار الکلیة عن الأبدان الإنسانیة (دور ساختن هر گونه زیان از تن آدمیان)، چاپ علیرضا عباسیان، تهران، ۱۳۸۸ش.

۱۷ . قاسم بن یوسف ابونصری هروی، إرشاد الزراعة. چاپ محمد مشیری، تهران، ۱۳٥٦ش.

۱۸ . محمد اعظم ناظم جهان،اکسیر اعظم، چاپ دانشگاه علوم پزشکی ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران ۱۳۸۷ش.

۱۹ . محمد حکیم ابن مبارک، نصیحت نامه سلیمانی. تهران، چاپ کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی: در مجموعه گنجینه بهارستان، تهران، ۱۳۸٦ش.

۲۰ . علی بن احمد بغدادی، المختارات في الطب، چاپ دائرة المعارف العثمانیة. حیدرآباد دکن،۱۳٦۲ق.

۲۱ . منصور بن محمد ابن الیاس شیرازی، کفایه منصوری. چاپ دانشگاه علوم پزشکی ایران تهران،۱۳۸۲ش.

۲۲ . خواجه نصیرالدین طوسی، تنسوخ نامه ایلخانی، چاپ محمدتقی مدرس رضوی، تهران ۱۳٤۸ش.

۲۳ . علی بن ابی حزم ابن نفیس قرشی، الشامل في الصناعة الطبیة، چاپ تهران، ۱۳۸۸ش.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12]

٢٤ . بهاء الدوله رازی، خلاصة التجارب، چاپ محمد رضا شمس اردکانی، پویا فریدی، زهره ابوالحسن زاده. تهران، ١٣٨٩ش.

٢٥ . محمد بن زکریا رازی، الحاوي في الطب، چاپ هیثم خلیفة طعیمی. بیروت، ١٤٢٢ق.

٢٦ . مسیح بن حکم دمشقی، الرسالة الهارونیة، چاپ دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران،١٣٨٨.

٢٧ . محمد بن زکریا رازی، المنصوري في الطب. چاپ کویت، ١٤٠٨ق.

٢٨ . محمد مهدی خرسان، طب النبي صلی الله علیه و آله و سلم. چاپ نجف ١٣٨٥ق.

٢٩ . احمد بن سهل ابوزید، مصالح الأبدان و الأنفس. چاپ محمود مصری، قاهره ١٤٢٦.

٣٠ . مختار بن حسن ابن بطلان بغدادی، دعوة الأطباء. تهران, ١٣٨٨ش.

٣١ . محمد بن احمد تمیمی مادة البقاء في إصلاح فساد الهواء و التحرز من ضرر الأوباء. چاپ یحیی شهار. قاهره، ١٤٢٠.

٣٢ . سلیمان‌بن احمدبن ایوب طبرانی، المعجم الکبیر، چاپ حمدی‌بن عبدالمجید سلفی، موصل ١٩٨٣.

٣٣ . ابوالقاسم علی‌بن حسن شافعی، تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیة من حلها، چاپ محب‌الدین ابی‌سعید عمربن غرامه عمری، بیروت ١٩٩٥.

٣٤ . عبدالرحمان‌بن علی‌بن محمدبن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، چاپ بیروت ١٣٥٨ ق.

٣٥ . اسماعیل‌بن عمر قرشی ابن‌کثیر، البدایة و النهایة، چاپ بیروت، ٧٧٤ ق.

٣٦ . محمدبن عبدالله‌بن احمدبن سلیمان‌بن زبر ربعی، تاریخ مولد العلماء و وفیاتهم، چاپ عبدالله احمد سلیمان الحمد، ریاضی ١٤١٠.

٣٧ . ابوالحسن علی‌بن ابی‌الکرم شیبانی ابن‌اثیر، الکامل فی تاریخ، چاپ عبدالله قاضی، بیروت ١٤١٥ ق.

٣٨ . خلیفه‌بن لیثی عصفری ابن‌خیاط، تاریخ خلیفه‌بن خیاط، چاپ اکرم ضیاء عمری، بیروت ١٣٩٧ق.

٣٩ . ابوعمر یوسف‌بن عبدالله ابن عبدالبر، التمهید لما فی الموطأ من المعانی و الاسانید، چاپ مصطفی‌بن احمد علوی و محمد عبدالکبیر بکری، مغرب ١٣٨٧ ق.

٤٠ . عبدالحی‌بن احمدبن محمد عکری حنبلی، شذرات الذهب فی اخبار من الذهب، چاپ عبدالقادر ارناووط و محمود ارناووط، دمشق ١٤٠٦ ق.

٤١ . صلاح‌الدین خلیل‌بن ایبک صفدی، الوافی بالوفیات، چاپ احمد ارناووط و ترکی مصطفوی، بیروت، ٢٠٠٠.

٤٢ . تاج‌الدین‌بن علی‌بن عبدالکافی سبکی، طبقات الشافعیه الکبری، چاپ محمود محمد طناحی و عبدالفتاح محمد الحلو، بیروت ١٤١٣.

٤٣ . کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، چاپ عبدالحسین نوایی، تهران ١٣٨٣ ش.

٤٤ . معین‌الدین محمد زمچی اسفزاری، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، چاپ سید محمد کاظم امام، تهران ١٣٣٨ ش.

٤٥ . حسن تاجبخش، تاریخ دامپزشکی و پزشکی در ایران، تهران ١٣٧٩ش.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12]